



قصاص؛ مجازات قتل مرد مزاحم

بی توجهی به ساختارهای اخلاقی به پرونده‌های جنایی بسیاری منجر می‌شود. افراد در جریان این پرونده‌ها به جای مراجعه به قانون دست به انتقام‌گیری زده و حوادث خونین را رقم می‌زنند. در جریان پرونده‌ای که قضات دیوان عالی کشور رأی آن را تا پید کوهانند مردی جوان وقتی متوجه ار تباط پنهانی همسر برادرش با مردی ناشناس شد حادثه خونین را رقم زد که پس از محاکمه به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار ما، چهارم آبان‌سال۹۴، مأموران کلانتری ۱۲ ورامین از قتل پسر ۳۴ساله به نام امیر در بیان‌های اطراف شهرباخبر و راهی محل شدند.شواهد نشان می‌داد مرد جوان در درگیری با دو برادر به نام‌های محمد و سجاد با ۱۷ضربه چاقو به قتل رسیده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، عاملان قتل بازداشت شدند و محمد در خصوص انگیزه قتل گفت: امیر با زن برادرمان رابطه داشت به همین دلیل او را به قتل رساندیم. او در شرح ماجرا گفت: «دوبرادرم ازدواج کرده بودند و هر کدام در یک طبقه مستقل در ساختمان پدرم زندگی می‌کردند. روزی در خانه نشسته بودم که فرد ناشناسی پیامک فرستاد و در آن نوشته بود روی بام خانه یک کفتر نشسته است. به پشت بام رفتم اما کفتر خبری نبود. هنگام پایین آمدن از پله‌ها به خانه برادر بزرگم رفتم تا سری به همسرش بزنم اما وقتی در زدم زن برادرم هراسان در را باز کرد و گفت مهمان دارد. همان شب دوباره از آن فرد ناشناس پیامکی آمد که او بعد از فحش و ناسزا ادا کرده بود:زمانیکه پیامک اول را فرستاده بود دو نفر از دوست‌های صمیمی‌ام به نام‌های امیر و ابوالفضل مهمان زن برادرم بوده‌اند. شوکه شدم و ماجرا را با برادر دیگرم –سجاد- در میان گذاشتم.» متهم در ادامه گفت: «من و سجاد تصمیم گرفتیم در این مورد تحقیق کنیم تا مطمئن شویم به همین خاطر از دختر برادرم سؤال کردیم که با این سؤال او به گریه افتاد. این شد که با امیر و ابوالفضل در بیان‌های قرچک قرار گذاشتیم و همراه دختر برادرمان سر قرار رفتیم. او با دیدن آن دو نفر دوباره به گریه افتاد که مطمئن شدیم این موضوع حقیقت دارد. آنجا بود که با هم درگیر شدیم و دست به چاقو شدم. ابوالفضل با دیدن چاقو از ترس فرار کرد اما امیر را با ۱۷ضربه چاقو به قتل رساندم.» بعد از اقرارهای مرد جوان، برادر او نیز تحت بازجویی قرار گرفت و بعد از تأیید حرف‌های برادرش گفت روز حادثه در محل حضور داشته اما در قتل نقشی نداشته است. به این ترتیب محمد به اتهام قتل عمد و سجاد و ابوالفضل به اتهام شرکت در نزاع دسته جمعی روانه زندان شدند و پرونده به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده مادر مقتول درخواست قصاص کرد، سپس دو برادر بار دیگر ماجرا را شرح دادند و از خودشان دفاع کردند. در ادامه ابوالفضل که با قرار وثیقه آزاد بود در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش گفت: «دو برادر دروغ می‌گویند آنها روز حادثه من و مقتول را به بیان‌های ورامین کشاندند و بی‌رحمانه امیر را به قتل رساندند. اگر از دست آنها فرار نکرده بودم الان من هم مرده بودم.» در پایان هیئت قضایی به شور، محمد را به قصاص، سجاد را به حبس و ابوالفضل را نیز به حبس و شلاق محکوم کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و از سوی قضات یکی از شعبات آن تأیید شد.

غرض زمین در سرابله

برخاستن صدای غرش مهیب از اعماق زمین در شهرستان سرسرابله استان ایلام مردم را به وحشت انداخت.

به گزارش ایرنا از حدود ساعت ۲۳ شامگاه سمنشبه‌بود که ساکنان شهرستان سرابله پس از شنیدن صدایی مهیب از اعماق زمین وحشت زده‌به خیابان‌ها ریختند. هر چند گمانه‌زنی‌های اولیه حکایت از وقوع زمین‌لرزه داشت، اما مدیر کل مدیریت بحران استان ایلام اطمینان داد که این



عکس‌های یادگاری خواستگار قلابی با ویلاهای مردم

خواستگار قلابی که با فریب دخترخان دم‌بخت آنها را با وعده ازدواج فریب داده است و پول و طلاهایشان را سرقت می‌کرد، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۱ روز پنج‌شنبه ۱۸ بهمن‌ماه بود که دختر جوانی وارد کلانتری یافت‌آباد شد و پلیس را از ماجرای فریبکاری خواستگار قلابی با خبر کرد. او گفت: من‌آهل شهری در شمال کشور هستم. چندی قبل در یکی از گروه‌های تلگرامی با پسری آشناشدم که گفت وضع مالی خیلی خوبی دارد او گفت که اهل تهران است و شغلی مناسب و درآمدی بالا دارد. آن پسر عکس‌های زیادی از خودش با یک خودروی شاسی‌بلند گرانتقیمت کنار ویلاهای لوکس برایم ارسال کرد و گفت که اصلاً نیاز مالی ندارد و از مدتی قبل به دنبال همسری مناسب برای خودش است. مدتی که از ارتباط تلگرامی ما گذشت از من درخواست ازدواج کرد و من هم که به او اعتماد کرده بودم از پیشنهاد او استقبال کردم. بعد از آن بود که برای آشنایی بیشتر من را به تهران دعوت کرد که قبول کردم. ساعتی قبل با هم به رستوران رفتیم و درباره موضوعات زندگی مشترک حرف زدیم. وقتی برای رفتن به سرویس میز راترک کرد مقدار زیادی پول و طلا داخل کیفم که در آن جا گذاشته بودم موجود بود. بعد از آن که برگشتم از خواستگارم و یکشام خبری نبود برای همین برای شکایت به اینجا آمدم. بعد از مطرح شدن شکایت با اطلاعاتی که دختر جوان در اختیار پلیس گذاشت مشخص شد که متهم از ساکنان منطقه یافت‌آباد است. خیلی زود مخفیگاه متهم در یکی از قهوه‌خانه‌های محل شناسایی و متهم بازداشت شد. او در بازجویی‌ها به سرقت از دختر جوان اعتراف کرد و گفت به این شیوه دخترخان دم‌بخت را فریب داده و اموالشان را سرقت کرده‌است. سرهنگ محمدرضا موسوی، رئیس کلانتری یافت‌آباد گفت: متهم برای کشف جرائم بیشتر به همراه پرونده به پایگاه پنجم آگاهی پایتخت قرار گرفت.

رسیدن به ثروت باد آورده این روزها تبدیل به موضوع بسیاری از پرونده‌های جنایی شده است. در جریان این پرونده‌ها افرادی که قصد دارند یک شبیه‌ره ده‌ساله را طی کنند برای رسیدن به خواسته‌های خود دست به جرائم خشن می‌زنند، اما در نهایت گرفتار پلیس می‌شوند. در جریان پرونده‌ای که به تازگی در پلیس آگاهی تهران تشکیل شده است پسر خوانده مقتول برای رسیدن به ثروت وی اقدام به استخدام آدمکش می‌کند.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۳۰۰ با یاد یک‌شنبه ۲۱بهمن‌ماه مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس از قتل مرد میان‌سالی در خانه‌اش حوالی بلوار دریا با خبر و راهی محل شدند. مأموران در محل حادثه که اتاق خواب آپارتمانی در طبقه چهارم مجتمع مسکونی بود با جسد مرد ۶۸ساله‌ای به نام احمد روبه‌رو شدند که دست‌ها، پاها و دهانش را زیر پیراهن بر سر می‌ها حکایت از این داشت احمد بر اثر انسداد مجاری تنفسی به قتل رسیده است. از سوی دیگر به هم ریختگی وسایل خانه و سرقت طلاها و پول‌های مقتول نشان

می‌داد قاتل یا قاتلان با انگیزه سرقت دست به جنایت زده‌اند.

پس از اعلام این خبر بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداختند. بررسی‌های تخصصی پلیس نشان داد قاتل یا قاتلان افراد آشنایی هستند که بدون قتل‌برد در ورودی وارد خانه شده و در اقدامی غافلگیرانه مرد میانسال را به قتل رسانده‌اند. بدین ترتیب مأموران ابتدا از پسر و پسر خوانده مقتول تحقیق کردند.

یک‌شنبه ۲۸بهمن‌ماه مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس از قتل مرد میان‌سالی در خانه‌اش حوالی بلوار دریا با خبر و راهی محل شدند. مأموران در محل حادثه که اتاق خواب آپارتمانی در طبقه چهارم مجتمع مسکونی بود با جسد مرد ۶۸ساله‌ای به نام احمد روبه‌رو شدند که دست‌ها، پاها و دهانش را زیر پیراهن بر سر می‌ها حکایت از این داشت احمد بر اثر انسداد مجاری تنفسی به قتل رسیده است. از سوی دیگر به هم ریختگی وسایل خانه و سرقت طلاها و پول‌های مقتول نشان

استخدام شرور معروف برای قتل پدر خوانده

پدر خوانده‌ام رفتیم و پس از خوردن ناهار ساعت ۱۷ به خانه‌ام در کرج بازگشتیم و با پدرم تماس گرفتم که به او بگویم به خانه رسیده‌ام اما جواب نداد که مشکوک شدم و همراه یکی از بستگان همسرم به خانه پدر خوانده‌ام آمدم و با این صحنه روبه‌رو شدم و پس از آن با برادر بزرگ‌ترم تماس گرفتم و موضوع را اطلاع دادم. مأموران در ادامه متوجه تناقض گویی‌های کامبیز شدند و وی را به عنوان مظنون حادثه بازداشت کردند. متهم پس از انتقال به اداره آگاهی به قتل پدر خوانده‌اش از طراح‌ی کرده بودند که قبل از اجرا دستگیر می‌شوند. صبح دیروز چهار متهم برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شدند. سردار علیرضا لطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیق از متهمان در پلیس آگاهی ادامه دارد و از تمامی شهروندان و مالباختگانی که بدین شیوه و شگرذ مورد سرقت به عنف منازل خود قرار گرفتند دعوت می‌شود تا جهت شناسایی متهمان و پیگیری شکایات خود به نشانی اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ در خیابان وحدت اسلامی مراجعه کنند.

گفت‌وگو با متهمان



گفت‌وگو با عامل جنایت

خودت را معرفی کن؟
علی هستم ۳۵ساله.
سابقه داری؟
بله، سال ۹۱ به جرم آزار و اذیت روانه زندان شدم.
از شرورهای معروف منطقه ستارخان هستی؟
نه، شرور نیستم.
اما آن زمان شاکی گفته بود که آنها را به خاطر شکایتشان تهدید کرده‌بودی؟
بله.
چه زمانی از زندان آزاد شدی؟
حدود ۴ ماه قبل.
چطور با پسر خوانده مقتول آشنا شدی؟
۱۱ سال قبل با کامبیز آشنا شدم و از آن زمان به بعد دوست هستیم.
با همدستانت چطور آشنا شدی؟
ما اعضای یک باند هستیم که سرقت می‌کردیم.
قبل از حادثه قتل از خانه دیگری هم سرقت کرده‌اید؟
بله. از چند خانه که صاحبان آنها افراد



گفت‌وگو با پسر خوانده مقتول

خودت را معرفی کن؟
کامبیز هستم ۲۲ساله.
به چه کاری مشغولی؟
کارمندم و کارشناس بازارپای. با افراد و شرکت‌هایی که اقدام به برگزاری کنفرانس و همایش‌های تخصصی می‌کنند به عنوان کارشناس همکاری می‌کنم.
چقدر درس خواندی؟
تحصیلاتم بالا است و مدرک دکتری مدیریت استراتژیک بازارپایی دارم با همان امپی‌ای و دیپلم افتخاری هم از آکسفورد گرفتم.
یعنی از دانشگاه مدرک دکتری گرفته‌ای؟
بله از آموزشگاه‌ها.
درباره ازدواج پدر خوانده‌ات با مادر توضیح بده؟
من چهارساله بودم که پدرم فوت کرد و مادرم دوباره ازدواج کرد. پس از آن احمد مرا بزرگ کرد و مثل پدرم بود.
پس چرا نقشه قتل او را طراحی کردی؟
قرار بود علی و دوستانش فقط از خانه‌اش سرقت کنند و فکر نمی‌کرد کم او را به قتل برسانند.
چرا نقشه سرقت کشیدی؟
یک پسر شش‌ساله و یک دختر پنج‌ساله دارم.

خالی کردن حساب افراد سالخورده

مردی که با پرسه مقابل عابر بانک‌ها به پنهان‌کمک به افراد سالخورده برای انجام عملیات بانکی کارت آنها را سرقت و حسابشان را خالی می‌کرد، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، اول بهمن‌ماه امسال بود که مردی سالخورده به مأموران پلیس تهران خبر داد در دام سرودی فریبکار گرفتار شده است. او توضیح داد: من کم سواد هستم و همیشه برای انجام کار با عابر بانک مشکل دارم. برای همین از رهگذران برای این کار کمک می‌گیرم. لحظاتی قبل هم برای انجام کاری به مرکز تعویض پلاک در شرق تهران مراجعه کردم. آنجا برای انتقال مقداری پول به باجه عابر بانک مراجعه کردم و از مردی که کنار باجه ایستاده بود، خواستم که من کمک کند که قبول کرد. بعد از انجام عملیات بانکی آن مرد کارت را به من تحویل داد و دور شد. وقتی کارت را بررسی کردم متوجه شدم که متعلق به من نیست برای همین آن مرد را صدا زدم اما او به سرعت فرار کرد. بعد از آن بود که با کمک انتظامات مرکز تعویض پلاک، محدوده محل بررسی و مرد



سقوط مرگبار زن جوان در مراسم آشتی کنان

زن جوانی که با شوهرش اختلاف داشت در مراسم آشتی کنان به طرز مشکوکی از بالکن خانه‌اش به پایین سقوط کرد و جان باخت.

به گزارش خبرنگار ما، عصر روز سه‌شنبه ۲۳ بهمن‌ماه قاضی رضوانی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۸۱ عوارضی از مرگ مشکوک زن جوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه که برج مسکونی در غرب تهران بود با جسد زن ۳۰ساله‌ای روبه‌رو شدند که حکایت از این داشت از بالکن خانه‌اش در طبقه ۱۴ برج مسکونی به پایین سقوط کرده و جان باخته است. یکی از بستگان شوهر این زن به مأموران گفت: زن فوت شده با شوهرش اختلاف داشت و گاهی با هم درگیری داشتند. ساعتی قبل از حادثه همراه تعدادی از بستگان برای آشتی دادن این زن و شوهر به خانه‌شان آمدیم و آنها را آشتی دادیم اما آنها دوباره با هم مشاجره کردند و درگیر شدند که زن جوان ناراحت شد و به بالکن خانه‌اش رفت و دقایقی بعد صدای مهیبی به گوشمان رسید که دیدیم او به پایان سقوط کرده و جان باخته است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی قاضی رضوانی به مأموران دستور داد تا شوهر زن فوت شده و بستگان آن که در خانه‌شان حضور داشته‌اند تحقیق شود تا زوایای پنهان این حادثه بر ملا شود.

غرق شدن کودک ۴ساله در رودخانه

دختر بچه خردسال پس از سقوط به رودخانه کاجو در شهرستان قصر قند غرق شد.

حسن مصفا، معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر سیستان و بلوچستان گفت: این حادثه صبح دیروز در روستای جنگل شهرستان قصر قند اتفاق افتاد که در جریان آن دختر بچه چهارساله که برای بازی به حاشیه رودخانه، فته بود پراثر لرزه‌گردی در آب خروشان رودخانه افتاده و غرق شد.وی گفت: تلاش‌های امدادگران برای کشف جسد این کودک همچنان در جریان است.



مرگ ۳ عضو خانواده در سیلاب شهرستان در میان

سه عضو یک خانواده در جریان شدن سیلاب در شهرستان درمیان در استان خراسان جنوبی جان باختند.

سرهنگ سیدمحمد رضا سرفرازی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی گفت: این حادثه شامگاه سه‌شنبه اتفاق افتاد و سه عضو یک خانواده که سوار بر خودروی وانت کابیر قصد عبور از رودخانه فسمی را داشتند در سیل گرفتار شده و جان باختند. وی گفت: امدادگران بعد از حضور در محل اجساد را کشف کردند.

آکبی مفقودی مدارک خودرو

بدینوسیله اعلام می‌گردد سند مالکیت و سند کمپانی (برگ سبز) و تأییدیه نقل و انتقال خودروی پژو ۴۰۵ تیپ GLX XU به رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۳ به شماره شهربانی ایران ۶۸- ۶۷۴ ط ۴۴ و شماره موتور ۰۳۵۲۱۱۴ K ۱۲۴ به شماره شاسی ۰۱ CAXE۴۶۳۳۳۵۳ NAAM آقای نبی اله مهدیون ناطق به شماره ملی ۰۲۲۳۰۴۲۸۳۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آکبی تحدید حدود اختصاصی اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دزفول

برابر ماده ۱۴ قانون ثبت تحدید حدود اختصاصی شهرستان دزفول مربوط به بخش یک و سه دزفول را رسیدگی نموده و به شرح ذیل آکبی می‌نماید:
املاک واقع در بخش سه دزفول
پلاک ۵۸۳- عبدالرحمن بیدمال فرزند حسین شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۳۷۸/۴۰ متر مربع واقع در بلوار ملاصدرا بین خیابان‌های امید اصلی و پیام آوران
املاک واقع در بخش پنج دزفول
پلاک ۱ و ۳- قلی برونی محمود صالحی فرزند جمعه شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۸۵۶/۵۵ متر مربع واقع در بخش سردشت-روستای ماهور برنجی سفلی خیابان امام علی (ع)
تحدید حدود پلاک فوق از روز یکشنبه (۱۳۹۷/۱۲/۱۹) لغایت همان روز از ساعت ۸ صبح در محل شروع و به عمل می‌آید لذا وفق ماده ۱۴ قانون ثبت به صاحبان و مجاورین به شماره‌های فوق الذکر اعلام می‌شود که در ساعت و روز مقرر در آکبی حضور به هم رسانند و چنانچه مالکین پلاک های فوق و یا نماینده قانونی آنها در وقت مقرر حاضر نشوند برابر ماده ۱۵ قانون ثبت عملیات تحدید حدود اظهار شده از طرف مجاورین انجام و در غیر اینصورت از نوبت تحدید خارج می‌شوند و چنانچه مجاورین پلاک‌های فوق اعتراض داشته باشند بایستی از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی تا حداکثر ۳۰ روز اعتراض خود را به این اداره تسلیم داشته و رسید دریافت دارند و ظرف مدت یک ماه پس از تسلیم داشته و رسید دریافت دارند و ظرف یک ماه پس از تسلیم اعتراض خود اقدام به تقدیم دادخواست به مراجع صالحه قضایی محل نمایند.

رئیس ثبت اسناد و املاک دزفول – عبدالله قربانی فر